



درد دل با دلم

آرام باش ای دل شکسته خورده ام

می دانم که غم بزرگی داری و این روزها حوصله ما را نداری !

می دانم که در غم از دست دادن عشق به عزا نشسته ای !

آرام باش که زندگی ارزش اینهمه غم و غصه را ندارد!

می دانم که از درد تنهایی نایی نداری و دیگر غروری نیز درونت نمانده

بی خیال باش و مثل او هیچ غمی نداشته باش !

ای دل بی طاقتم او رفت و دیگر نیز برنمیگردد ، منتظرش نباش !

این لحظات زیبای زندگی را به انتظار اینکه روزی دوباره بیاید هدر نده!

او دیگر عاشق تو نیست و دلش با تو نیست!

او که رفت دیگر نمی آید ، اگر عاشق بود هیچگاه نمی رفت!

می دانم که هنوز هم عاشقی ، و هنوز هم منتظر آمدن او هستی

اما از من به تو نصیحت بی خیال آن بی وفا شو!

ای دل ساده ام تو با این شکستگی مرا نیز شکسته ای و خسته ام کردی!

ای دل بی گناهم ، هنوز هم یک عالمه خریدار داری

و هنوز هم هستند آنهایی که آرزو دارند مال آنها باشی!

برو اسیر قلبی شو که لایق تو باشد

اسیر کسی شو که واقعا عاشق باشد و حرفهایش از ته دل باشد!

ای دل بی گناهم او دیگر مال تو نیست و یک ذره نیز دوست ندارد!

بی خیال آن بی وفا و سنگدل شو ! اگر دوستت داشت هیچگاه رهایت نمیکرد!

اگر عاشقت بود بعد از رفتنش در نامه هایش بر عشق لعنت نمیگفت

و وجود عشق را انکار نمیکرد!

آرام باش ای دل شکسته خورده ام!

هنوز راه زیادی تا پایان زندگی مانده

و هنوز هم هستند کسانی که لایق تو باشند !

آن سنگدل که با تو بی وفایی کرد را رها کن

بگذار یک ذره غرور نیز در دلت بماند،

خودت را در مقابل او که لایق تو نیست کوچک نکن!

بس است هر چه التماس کردی و به خاکش افتادی

بس است هر چه برایش اشک ریختی !

او رفت و دیگر نیز نمی آید!

بگذار برود ، می دانم روزی میرسد که قدر آن لحظاتی که با تو بود را بدانند

و روزی صد بار بر خودش لعنت بفرستد که چرا رهایت کرد!

ای دل شکسته خورده ام ، آرام باش زیرا تو هنوز یک عالمه خریدار داری!

منتظرش نباش! او که رفت دیگر نمی آید.



alifathi1385.blogfa.com